

آرای سال ۱۳۵۳

رای وحدت رویه ۲۴ - ۱۳۵۳/۳/۱۵

پژوهش خواهی از تصمیم دادگاه مبنی بر رد درخواست صدور گواهی عدم امکان سازش بین زوجین

چون در ماده (۱۶) قانون حمایت خانواده تصریح شده که تصمیم دادگاه در مورد صدور گواهی عدم امکان سازش بین زوجین تعیین نفقه ایام عده و هزینه نگهداری اطفال (حضانت اطفال) حق ملاقات پدر یا مادر یا اقربای طبقه اول غایب یا متوفی با اطفال یا اطفال و همچنین اجازه مقرر در ماده (۱۴) آن قانون قطعی است و در سایر موارد فقط پژوهش پذیر می باشد بنابراین در صورتی که دادگاه تصمیم بر رد درخواست صدور گواهی عدم امکان سازش بین زوجین اتخاذ کند تصمیم مزبور مشمول هیچ یک از شقوق پنجگانه فوق الاشعار نبوده و قابل پژوهش خواهد بود. این رأی به موجب ماده (۳) از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع می باشد. [۵۸۳]

رای وحدت رویه ۲۶ - ۱۳۵۳/۳/۱۵

تخفیف مجازات اقامت اجباری

باتوجه به مدلول ماده (۴۶) اصلاحی قانون مجازات عمومی مصوب خرداد ۱۳۵۲ که در آن ترتیب تخفیف در مجازاتها معلوم گردیده ذکر از تخفیف مجازات اقامت اجباری نشده و ماده (۱۶) قانون مزبور [۵۸۳] که به صورت

۱۵۲- از قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶/۳/۲۵

ماده ۱۴ - هرگاه مرد بخواهد با داشتن زن همسر دیگری اختیار نماید باید از دادگاه تحصیل اجازه کند. دادگاه وقتی اجازه اختیار همسر تازه خواهد داد که با انجام اقدامات ضروری و در صورت امکان تحقیق از زن فعلی توانایی مالی مرد و قدرت او را به اجرای عدالت احراز کرده باشد.

هرگاه مردی بدون تحصیل اجازه از دادگاه مبادرت به ازدواج نماید به مجازات مقرر در ماده (۵) قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰-۱۳۱۶ محکوم خواهد شد.

ماده ۱۶ - تصمیم دادگاه در موارد زیر قطعی است و در سایر موارد فقط پژوهش پذیر می باشد:

۱ - صدور گواهی عدم امکان سازش.

۲ - تعیین نفقه ایام عده و هزینه نگهداری اطفال.

۳ - حضانت اطفال.

۴ - حق ملاقات پدر یا مادر یا اقربای طبقه اول غایب یا متوفی با اطفال یا اطفال.

۵ - اجازه مقرر در ماده ۱۴.

۱۵۳- از قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴/۱۰/۲۳ با اصلاحات بعدی:

ماده ۱۶ (اصلاحی ۱۳۵۲/۳/۷) - مدت اقامت اجباری یا ممنوعیت از اقامت در محل معین کمتر از یک ماه و بیشتر از سه سال نخواهد بود.

ماده ۴۶ (اصلاحی ۱۳۵۲/۳/۷) - دادگاه می تواند در صورت وجود کیفیات مخفف مجازاتهای جنحه و جنایت را به طریق زیر تخفیف دهد مگر اینکه در قانون خلاف آن مقرر شده باشد:

۱ - اعدام به حبس دائم یا حبس جنایی درجه ۱.

۲ - حبس دائم به حبس جنایی درجه ۱ یا درجه ۲.

۳ - حبس جنایی درجه ۱ به حبس جنایی درجه ۲ که بیش از سه سال نباشد یا حبس جنحه ای که کمتر از دو سال نباشد.

۴ - حبس جنایی درجه ۲ به حبس جنحه ای که بیش از دو سال و کمتر از شش ماه نباشد.

۵ - حبس جنحه ای تا حداقل حبس مزبور یا تا حداقل جزای نقدی.

تذکره ۱ - در مورد جزای نقدی نسبی کیفیات مشدد و مخفف قابل اعمال نیست ولی در مورد جزای نقدی ثابت دادگاه می تواند در صورت وجود کیفیات مخفف جزای نقدی را اعم از اینکه توأم با حبس باشد یا نباشد تا نصف حداقل مقرر

و کسب و تجارت یا سکنی تا به حال اجاره داده شده یا بعداً اجاره داده شود مشمول مقررات این قانون خواهد بود) و به موجب ماده (۲۶) کلیه مقررات و قوانینی که با مفاد این قانون مغایر باشد ملغی گردیده و قوانین مزبور فقط در مواردی که از شمول این قانون خارج است اعتبار دارد و با التفات به اینکه تبصره (۱) ماده (۲۳) در مواردی خاص مقررات قانون روابط مالک و مستأجر را حتی به احکام قطعی که هنوز اجرا نگردیده تسری داده است و با توجه به مفاد ماده (۵۶۲) آیین دادرسی مدنی^(۵۶۱) که مقرر می‌دارد احکام و قرارها باید اساساً طبق قانونی که در زمان صدور آن لازم‌العمل است صادر گردد بنا به جهات مذکور قانون روابط مالک و مستأجر در نقاطی که در تاریخ صدور رأی لازم‌العمل باشد به کلیه دعاوی که قبلاً طرح شده و در جریان است نیز تسری خواهد داشت. این رأی طبق قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ لازم‌الرعايه خواهد بود.

رأی وحدت رویه ۷۲ - ۱۳۵۳/۹/۴

اعلام حجر مجنون یا سفیه و اثبات حجر در دادگاه

راجع به اختلاف نظری که بین دادرسان شعبه دوم دادگاه استان دهم به شرح منعکس در پرونده شماره ۳۴۷/۵۳ به وجود آمده است و به استناد ماده ۴۲ قانون امور حسبی^(۱۳۴) جناب آقای دادستان کل نظر هیأت عمومی دیوان عالی کشور را خواستار شده‌اند نظر اکثریت هیأت عمومی که در جلسه مورخ ۱۳۵۳/۹/۴ اتخاذ شده به شرح زیر است:

۱ - وظایفی که قانون در باب اعلام حجر مجنون یا سفیه به عهده دادستان محول کرده است منافی با اینکه اشخاص ذی نفع در صورت اقتضاء برای اثبات حجر به دادگاه مراجعه کنند نیست.

۲ - فوت کسی که درخواست حجر او شده مانع رسیدگی دادگاه نمی‌باشد زیرا آثاری که بر حجر مترتب است با فوت محجور از بین نمی‌رود و دادگاه علی‌الاصول باید رسیدگی را به طرفیت وراث ادامه داده و حکم مقتضی صادر نماید.

رأی وحدت رویه ۸۳ - ۱۳۵۳/۹/۲۰

قابل اعتراض بودن احکام غیابی صادره از دادگاه بخش در

دعوائی به خواسته کمتر از بیست هزار ریال

نظر به اینکه مطابق ماده (۱۷۴) اصلاحی قانون آیین دادرسی مدنی^(۵۶۳) محکوم علیه غایب پس از ابلاغ حکم

رأی داور در این موضوع قطعی و غیر قابل اعتراض است.

۱۶۱ - ماده ۳۶ - از تاریخ اجرای این قانون آیین نامه تعدیل مال الاجاره مستغلات مصوب ۱۳۳۴/۷/۲۵ و ماده (۶۷۷) قانون آیین دادرسی مدنی و سایر مقررات و قوانینی که با این قانون مغایرت داشته باشد ملغی است.

ماده ۵۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸/۶/۲۵ حکم یا قرار صادر در خصوص دعوائی مادام که حکم یا قرار با قوانینی که در زمان صدور آن لازم‌العمل بوده مخالف نباشد نقض نمی‌شود.

۱۶۲ - ماده ۴۶ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹/۴/۲ هرگاه در استنباط از مواد قانون بین دادرسان هابی که رسیدگی پژوهشی می‌کنند اختلاف نظر باشد دادگاهی که به امر حسبی رسیدگی پژوهشی می‌نماید می‌تواند به توسط دادستان دیوان کشور نظر هیأت عمومی دیوان کشور را بخواهد و در این صورت دادگاه نظر خود را با دلایل آن برای دادستان دیوان کشور می‌فرستد و پس از آنکه دیوان کشور نظر خود را اعلام کرد دادگاه مکلف است مطابق آن عمل نماید.

۱۶۳ - (۱) قانون اصلاح بعضی از مواد قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۴۹/۹/۹

ماده ۱۷۴ (اصلاحی) ۱۳۴۹/۹/۹ - محکوم علیه غایب می‌تواند ظرف ده روز پس از ابلاغ حکم غیابی دادخواست پژوهشی به مرجع رسیدگی پژوهشی تقدیم دارد.

در مورد ماده (۱۹) حکم دادگاه نسبت به مبلغ تا بیست هزار ریال حضوری است مگر اینکه خواننده دعوی در هیچ یک از جلسات دادرسی حاضر نبوده و یا هیچ پاسخ کتبی نداده باشد در این صورت دادنامه مزبور از طرف محکوم علیه غایب

تقاضای مدت اجاره مالک منافع قسمتی که واگذار گردیده نیست و تصرفی هم در این قسمت برای او باقی نمانده تا بتواند تخلیه یا تعدیل اجاره بهای آن را از مستأجر جدید بخواهد. در چنین موردی رابطه حقوقی مستأجر سابق نسبت به قسمتی که واگذار گردیده قطع شده و بین مستأجر جدید و مالک رابطه استیجاری برقرار گردیده است. این رأی طبق ماده (۳) قانون اضافه شده به آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ در موارد مشابه برای دادگاهها لازماً اتباع است.

رأی وحدت رویه ۱۰ - ۱۳۵۵/۷/۲۱

قطع اشجار مشترک بین چند نفر به وسیله یکی از شرکاء

به طوری که از اطلاق و عموم ماده (۲۶۲) قانون کیفر عمومی^{۵۸۵} مستفاد می گردد ارتکاب اعمال مذکور در آن ماده در صورتی که مقرون به قصد اضرار و یا جلب منافع غیر مجاز یا سوء نیت باشد قابل تعقیب و مجازات است هر چند مالکیت اموال موضوع جرم مشمول ماده فوق به طور اشتراک و اشاعه باشد. این رأی طبق ماده واحده قانون وحدت رویه مصوب سال ۱۳۳۸ در موارد مشابه لازماً اتباع است.

رأی وحدت رویه ۲۵ - ۱۳۵۵/۱۱/۲۰

عدم شمول مقررات مربوط به تکرار جرم در محکومیت به جرایم غیر عمدی

نظر به اینکه به موجب ماده (۲۴) قانون مجازات عمومی مقررات تکرار جرم نسبت به کسانی قابل اعمال است که از تاریخ قطعیت حکم مجازات قبلی تا زمان اعاده حیثیت یا حصول مرور زمان مرتکب جنحه یا جنایت جدیدی شوند و با توجه به اینکه در ماده (۵۷) قانون مذکور^{۵۸۶} سلب حیثیت و اعاده آن فقط در مورد جرایم عمدی مقرر شده است نتیجتاً محکومیت به جرایم غیر عمدی از نظر اینکه سالب حیثیت نبوده و زمان اعاده حیثیت ندارد از شمول مقررات مربوط به تکرار جرم خارج خواهد بود. بنابراین رأی شعبه ۱۱ مبنی بر اینکه محکومیت قبلی متهم به ارتکاب جرم غیر عمدی موجب اعمال مقررات تکرار جرم در تعیین مجازات جرم بعدی نیست موجه به نظر می رسد. این رأی طبق ماده واحده قانون مصوب تیرماه ۱۳۳۸ در موارد مشابه لازماً اتباع است.

تبصره - در کلیه موارد مذکور در این ماده هرگاه مستأجر یا قائم مقام قانونی او به جهت قوه قاهره بعد از مدت های مقرر اجرت المسمی یا اجرت المثل و یا وجوه دیگر را نپردازد یا نپردازد باشد دادگاه جهت مزبور را مورد رسیدگی قرار داده و در صورت احراز قوه قاهره از صدور حکم تخلیه خودداری خواهد نمود.

ماده ۳۰ - موجد در موقع تجدید اجاره می تواند با مستأجر جزء مستغلات طرف اجاره واقع شده و قسمتی از مورد اجاره را که در تصرف مستأجرین جزء است به خود آنها اجاره دهد.

۸۵ - ماده ۲۶۲ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴/۱۱/۷ اشخاص ذیل به حبس تأدیبی از یازده روزالی سه ماه و با نه تأدیه غرامت از ده الی دویست تومان محکوم خواهند شد.

۸۶ - هرکس حاصل دیگری را بچراتد یا تاکستان یا باغ میوه یا نخلستان کسی را خراب کند یا به واسطه سرقت یا قطع آبی که متعلق به آن است یا با اقدامات و وسایل دیگر خشک کند یا باعث تفسیح آن شود.

تالیاً - هرکس حاصل دیگری را قطع و درو کند.

۸۷ - از قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲/۳/۲

ماده ۲۴ - هرکس به موجب حکم قطعی به حبس جنحهای یا جنایی محکوم شده و از تاریخ قطعیت حکم تا زمان اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان مرتکب جنحه یا جنایت دیگری بشود مشمول مقررات تکرار جرم خواهد بود.

ماده ۵۷ - در مورد جرایم عمدی کسانی که به حبس جنحهای محکوم می شوند ظرف پنج سال و کسانی که به حبس جنایی محکوم می شوند ظرف ده سال از تاریخ اتمام مجازات مذکور یا شمول مرور زمان در صورتی که محکومیت به حساب و جنحه مؤثر جدیدی نداشته باشند به اعاده حیثیت نایل می شوند و آثار تبعی محکومیت آنان زایل می گردد. مگر اینکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد در مورد عفو اگر محکوم علیه بلافاصله آزاد شود تاریخ اتمام مجازات همان تاریخ عفو است و الاً خانمه اجرای بقیه مجازات خواهد بود.

در دعاوی تخلیه ید از اعیان مستأجره محل کسب یا پیشه یا تجارت هم بنا به تعریفی که در فصل ارزیابی خواسته در قانون آیین دادرسی مدنی از خواسته و میزان آن و صلاحیت دادگاه به عمل آمده خواسته دعوی همان تخلیه عین مستأجره بوده البته به دادگاه ضمن صدور حکم تخلیه حق کسب یا پیشه یا تجارت مستأجر را مستثنا به مواد (۲۷ و ۲۸) قانون روابط موجر و مستأجر مصوب مردانه ماه ۱۳۵۶^{۳۳۱} به امر امر قانونی مورد لحوق حکم قرار می دهد بنابراین در این نوع دعاوی ولو آنکه میزان حق کسب یا پیشه یا تجارت زائد بر میزان نصاب دادگاههای صلح باشد این قضیه که از تبعات دعوی است نمی تواند تأثیری در خواسته اصلی دعوی و صلاحیت دادگاه داشته باشد و رأی شعبه دوم دادگاه عمومی (حقوقی) کرمان که متضمن این معنی است موافق موازین تشخیص می گردد این رأی بر طبق ماده (۳) از مواد اضافه شده به آیین دادرسی کیفری مصوب مردانه ماه ۱۳۳۷ برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

آرای سال ۱۳۶۴

رأی وحدت رویه ۶ - ۱۳۶۴/۲/۲۳

صلاحیت دادگاههای کیفری یک و دو در رسیدگی به جرایم اطفال

نظر به اینکه به موجب ماده (۱۹۴) قانون اصلاح مواد آیین دادرسی کیفری مصوب شهریور ۱۳۶۱ دادگاههای کیفری به دادگاههای کیفری یک و دو تقسیم شده اند و طبق ماده (۱۹۳) قانون مزبور رسیدگی به جرایم اشخاص به ترتیب مقرر در قانون یاد شده و در صلاحیت دادگاههای مذکور است و مستفاد از مواد (۱۹۸ و ۲۱۷) قانون

- ۱ - خود را بطور مستقیم یا غیر مستقیم به موجب سند مستند به انتقال از مدعی نماید که در این صورت دادگاه بخش وقتی صلاحیت خواهد داشت که بهای عین بیش از ده هزار ریال نباشد.
 - ۲ - کلیه دعاوی راجعه بحقوق ارتفاقی از قبیل حق العیور و حق المجری و حق حفر چاه قنات در ملک دیگری و امثال آن تا هر میزان که باشد و حقوق انتفاعی در صورتیکه بهای آن زائد بر نصاب دادگاه بخش نباشد.
 - ۴ - دعاوی راجعه بحقوق مالی از قبیل حق شفعه و حق فسخ و دعاوی بطلان معامله و بی اعتباری سند در صورتی که متعلق حق یا مورد معامله بیش از ده هزار ریال نباشد.
 - ۵ - دعوی مزاحمت و ممانعت از حق و تصرف عدوانی در عین غیر منقول تا هر میزان که باشد.
 - ۶ - دعاوی راجع باشیایی که بهای معین نداشته ولی دارای نوعی از اعتبار و متعلق اغراض و مقاصدی است مثل اعیان برگها و اسناد و امثال آن.
 - ۷ - مطالبه وفای به شروط و عهود راجعه بمعاملات و قراردادهای اعم از اینکه در ضمن معامله و قرارداد تصریح شده و یا بنای متعاملین بر آن بوده و یا عادتاً و عرفاً معامله مبنی بر آن باشد مشروط بر اینکه مورد مطالبه قابل ارزیابی نباشد و الانصاب دادگاه بخش معتبر خواهد بود.
 - ۸ - در خواست افراز در صورتی که مالکیت محل نزاع نباشد و در صورتی که مالکیت محل نزاع باشد نصاب از حیث بهای معتبر است.
 - ۹ - در خواست تأمین و حفظ دلایل و امارات.
 - ۱۰ - در خواست سازش بین طرفین در هر دعوی و تا هر مقداری که خواسته باشد.
 - ۱۱ - در خواست تصدیق انحصار وراثت.
- ۳۳۴ - از قانون (وابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶/۵/۲)
- ماده ۲۷ - در مواردی که حکم تخلیه صادر می شود دادگاه ضمن صدور حکم مهلتی که از ده روز کمتر و از دو ماه بیشتر نباشد برای تخلیه تعیین می نماید. حکم تخلیه مندرسی که با اجازه رسمی مقامات صلاحیتدار تأسیس شده در تعطیلات تابستان اجرا خواهد شد.
- ماده ۲۸ - در مواردی که حکم تخلیه عین مستأجره با پرداخت حق کسب یا پیشه و یا تجارت صادر و قطعی می شود موجر مکلف است ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ حکم قطعی وجه معینه را در صندوق دادگستری تودیع یا ترتیب پرداخت آن را به مستأجر بدهد و الاً حکم مزبور ملغی الاثر خواهد بود مگر اینکه طرفین به مدت بیشتری توافق کرده باشند در سایر موارد نیز هر گاه موجر ظرف یک سال از تاریخ ابلاغ حکم قطعی تقاضای صدور اجرائیه ننماید حکم صادر شده ملغی الاثر است مگر اینکه بین موجر و مستأجر برای تأخیر تخلیه توافق شده باشد.